سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

نقش نهادها در فرایند پیشرفت و توسعه ؛ رویکرد اسلامی به آن (مطالعه موردی: نقش دولت، فرهنگ و نظام آموزشی با نگاهی تاریخی)

سیدمحمدحسن مصطفوی[۱]

چکیده

در اقتصاد نهادگرای امروز، استقرار پایدار نهادهای توسعه ای غیر اقتصادی، پیش نیاز پیشرفت و توسعه اقتصادی تلقی می شود که در این میان، نقش حاکمیت و نظام قضایی، آداب، رسوم، نظام تعلیم و تربیت که تجلی فرهنگ جامعه می باشد، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در آموزه های اسلامی به ویژه گرایش شیعی، بر نقش حاکمیت- دولت تأکید می شود، بویژه که دولت می باید حقیقت گرا و عدالت محور با کارگزارانی سالم و مردمی باشد، همچنین جایگاه والای علم و تعلیم و تربیت، جایگاهی ویژه و از عواملی است که در صورت توجه به مفاهیم، مبانی و پیش‌فرض‌ها و به روز نمودن روح آنها و بررسی دقیق و تأملات عمیق در جهت برقراری و تداوم آنها، جامعه پیشرفت می کند. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده های اسنادی(کتابخانه ای) نگارش یافته، به مواردی در تاریخ دوران اسلامی می پردازد که مفاهیم فوق در حد تعاریف و ظرف زمانی خود، کمابیش جاری و ساری بوده و دوره رونق را رقم زده و در مواقعی که عناصر مذکور با تحولات، تغییر نکرده و رشد نیافته، دوره رکود تجربه شده است. در پایان نیز پس از نتیجه گیری، پیشنهاداتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: دولت، حکمرانی خوب، فرهنگ، نظام آموزشی، فلسفه سیاسی، فلسفه نظری، عقلانیت ابزاری، نهادگرایی

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
mmostafavi@modares.ic.ir

۱- مقدمه

کشورهای اسلامی از جمله ایران، فراز و نشیب های بسیاری را پس از پیوستن به آیین اسلام پشت سر گذاشته اند که در این باره در داخل و خارج از کشور، تئوری پردازی های بسیاری شده است و هریک از صاحب نظران از زوایای گوناگونی، این تحولات را بررسی نموده اند. در این نوشتار که با عنوان "نقش نهادها در فرایند پیشرفت و توسعه و رویکرد اسلامی به آن؛ مطالعه موردی: نقش دولت، فرهنگ و نظام آموزشی" می باشد، به روش توصیفی - تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای به انجام رسیده، به ترتیب شامل بخشهای زیر می شود:

پس از مقدمه، درباره پیشرفت و توسعه، بررسی برخی عوامل مؤثر بر پیشرفت، ارزش فرهنگ و علم در اسلام، مروری بر تاریخچه مباحث دوره اسلامی، عوامل اصلی افول پیشرفت مسلمانان، مشکلات نظام فرهنگی و آموزشی، فرایند پیشرفت با رویکردی اسلامی، سخن پایانی و نتیجه گیری و پیشنهادات.

۲- در باره پیشرفت و توسعه

سقراط، دستیابی اجتماعی را عدالت - البته با تعریف آن روز خود- و عدالت را نیز محصول عمل اخلاقی می دانست.

توسعه اقتصادی و اجتماعی که در نگاه دینی می باید بستر اصلی تأمین سعادت فردی و جمعی باشد، از مسیر عمل اخلاقی یکایک آحاد جامعه می گذرد که محصول و برآیند آن در سطح کلان، سرمایه اجتماعی را به ارمغان می آورد و امروزه تقریباً مسلم شده که ظرفیت ها و فر ایند های اصلی رشد و توسعه کشورها بر پایه ذخیره سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و نهادین است و منابع اقتصادی شرط لازم و بستر های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی شرط کافی فرایند توسعه اند که موجب شکوفایی استعدادها، خلاقیت ها، و نوآوری می شوند (با استفاده از: رنانی، ۱۳۸۸).

همچنین مایکل تودارو، توسعه اقتصادی را علاوه بر ایجاد شغل مناسب، در آمد کافی و آموزش بهتر برای همگان، بر توجه به ارزش های والای انسانی تأکید می نماید و عزت نفس فردی و اجتماعی را برای جامعه توسعه یافته ضروری می داند(ر. ک: تودارو، ۱۳۸۷).

و به تعبیر دیگر، توسعه یک نوسازی بنیادی جامعه است از دنیای قدیم به دنیای جدید. در دنیای قدیم، جامعه بر اساس"فرمان" و "سنت" اداره می شده و در دنیای جدید،"تعقل" و "نوآوری" بیشترین نقش را یافته است (عظیمی، ۱۳۸۲).

اگر جامعه ای توان استفاده از ظرفیت خود را از طریق خلاقیت، ابداع و بهره وری پیدا کند، جامعه توسعه یافته است و اگر این توان را پیدا نکرده باشد، آن جامعه توسعه نیافته است که به نامتناسب بودن نهادها و سازمان ها بر می گردد، که برای رفع آن، می باید سه قدم زیر برداشته شود (همان، ۱۳۸۲):

۱- درک و هضم اندیشه اصلی تمدن؛

۲- نظام آموزشی همگانی متناسب برای توسعه و برابری و آزادی انسان ها؛

۳- سازماندهی نهادهایی برای تحقق این اندیشه ها.

مرحله بعدی این است که این فرایند با مشارکت عمومی، در ذهن و فرهنگ و محتوای فکری جامعه شکل بگیرد و نهادینه شود و به یک معنا، توسعه در گرو نهاد های تولید و انباشت سرمایه های انسانی، اجتماعی، فرهنگی و نیز روحیه علم گرایی، منطق گرایی، دانش و دانایی نهادمند و همگانی است.

اما در پس و پیش از اینها الگویی لازم است که این فرایند را با توجه به فرهنگ و ارزش های جامعه به پیش برد وگرنه تلاش ها به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. برای کشور ما، لاجرم این الگو از نظام مطلوب اسلامی نشات می گیرد که در حوزه اقتصاد، تلاش ها درخور نظام اسلامی نبوده است.

۱-۲- روش بررسی پیشرفت و توسعه اقتصادی

معمولاً توسعه اقتصادی به دو روش زیر قابل بررسی است:

الف) روش مطالعه عینی پدیده توسعه

ب) روش مطالعه تاریخی این پدیده

در این مقاله، از روش دوم، بهره گیری بیشتری شده است؛ به این مفهوم که در بررسی تاریخی ببینیم که توسعه (پیشرفت) و رکود (افول) اقتصادی، در چه زمانی و دوره ای اتفاق افتاده و با چه پدیده هایی همراه بوده اند که در این روش، اصطلاح «پیشرفت» بیشتر به کار می رود، چون «توسعه» مفهومی متاخر و از نیمه قرن بیستم رایج شده است.

در بررسی های تاریخی نتیجه می شود که تحقق پیشرفت اقتصادی مرهون انسان هایی است که ذهن، نگرش و فرهنگ آنها متحول شده باشد که در آن صورت مدیریت (بویژه دولتی) نهادها (بویژه نهادهای آموزشی مناسب) و ابزارهای پیشرفت را نیز به دست می‌آورد.

۲-۲- فرهنگ، تمدن و پیشرفت

منظور از فرهنگ، مجموعه ای از باورها، آراء و عقایدی است که مورد قبول اکثریت مردم جامعه باشد، که شکل گیری آن نیازمند زمان نسبتاً طولانی است و منشأ های مختلف باورهای فرهنگی نیز در طول زمان متحول می شوند و در هر دوران بزرگ تاریخی، زندگی انسانی، کشورها و ملیت های مختلف، دارای فرهنگ های متفاوت اند (عظیمی، ۱۳۷۱).

و مجموعاً می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ برای جامعه مانند ریشه درخت است و پیشرفت اقتصادی اروپا نیز مدیون رنسانس فرهنگی قبل از آن بوده و نکته مهم آنکه عمده باورهای فوق در نظام آموزشی با سیستم آموزشی برای توسعه شکل می گیرد و اگر با باور دیگر نهادها، بویژه خانواده و دولت هماهنگ باشد، نهادینه می شود.

تمدن عبارت است از کلیه دستاوردهای مادی و معنوی انسان برای تأمین نیازها. هر تمدن نیز براساس اندیشه و فرهنگی اساسی شکل می گیرد که با زوال آن اندیشه و فرهنگ، تمدن متکی برآن نیز سقوط می کند. و از طرفی، توسعه عبارت است: از فرایند عقب نشینی نهادها و زیرساخت های تمدن قدیم در برابر اندیشه و فرهنگ تمدن جدید، پس از تقابل و تعارض آنها؛ مشروط به اینکه در این فرایند، همه جنبه های زندگی اعم از نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روابط بین الملل مورد بازسازی نهادی قرار گیرد.

در این صورت، فعالیت نهادهای مذکور کارا و پایدار می شوند و تمدن جدید امکان می یابد که نیازهای مادی و معنوی مردم را در حد انتظار آنها تأمین کند و در این تمدن جدید، چون انسان ها برابرند، آزادند و این آزادی به معنای بهره گیری از حقوق قانونی است و نه مقید به «فرمان» حکمروا و در این صورت است که علم و اندیشه و در نتیجه، جامعه پیشرفت می کند (با استفاده از عظیمی، ۱۳۷۹).

۳- بررسی برخی عوامل موثر بر پیشرفت

همچنان که در عوامل و ویژگی ها و نتایج توسعه تجربه گردیده، توسعه الزامات خود را دارد که شغل مناسب، درآمد کافی با آموزش بهتر، روحیه علم گرایی، خلاقیت، نوآوری، فرهنگ مناسب، سازماندهی نهادها و مدیریت سازمان ها را در برمی گیرد که در این مقاله، بر عوامل مؤثر برآنها یعنی نهادهایی چون دولت توسعه محور (حکمرانی خوب) که شامل گسترش فرهنگ و آموزش نیز می شود، تأکید می رود.

۳-۱- دولت و حکمرانی خوب

ادبیات و تئوری های توسعه مسیر بلندی را پشت سرگذاشته است. ابتدا الگوهای توسعه صرفاً مبتنی بر رشد، و رشد هم تابعی از نرخ به کارگیری عوامل تولید بویژه نرخ پس انداز و سرمایه گذاری بود. بعدها به توسعه بخش مالی و بویژه تبدیل نیروی انسانی (عامل کار) به سرمایه انسانی (مهارت ها، تخصص ها و دانش) توجه بیشتری معطوف گردید و سپس سرمایه اجتماعی مدنظر قرار گرفت که حاصل تعامل نهادها، شهروندان و دولت بود.

به تدریج موارد فوق تحت عنوان «حکمرانی خوب»[۲] مطرح گردید که شاخص های دیگری را نیز در بر گرفت که پژوهشگران بانک جهانی آن را در گروه ها و شاخص های مختلف تقسیم بندی نمودند که اهم آن به قرار زیر می باشد (با استفاده از: حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳):

- فرایند انتخاب دولت توسط مردم، نظارت بر دولت و استقلال رسانه های گروهی؛
- توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست ها و کارآمدی و شفافیت دولت و نظام اداری و قضایی؛
- میزان تعهد شهروندان و دولت به هنجارهای اقتصادی و اجتماعی فی مابین؛
- آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخگویی دولت؛
- نبود مقرارت دست و پاگیر کسب و کار و تجارت و بالاخص تجارت خارجی؛
- صلاحیت و شایستگی کارگزاران بویژه قضات و سطح حاکمیت قانون؛
- ثبات کافی حاکمیت و کنترل فساد؛
- تأمین نیازهای عمومی به صورت مطلوب از سوی دولت.

---

[۲] - Good Governance

۲-۳- حکمرانی در اسلام

۱-۲-۳- تعیین حاکم

حکومت پیامبر (ص) که در سال ۱۳ بعثت در مدینه تأسیس شد، نخستین حکومت اسلامی است که جمعی از مردم تازه مسلمان یثرب نزد پیامبر در مکه آمدند و با وی بیعت نمودند و اعلام کردند که مردم آن دیار آماده استقبال از ایشان و همراهان شان می باشند و پیامبر که اشتیاق آنان را نسبت به خود دید، به آنجا هجرت نمود و حکومت با محوریت دین جدید را تشکیل داد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲).

در دیدگاه شیعه و اهل سنت، بر خواست و بیعت مردمان بر تعیین حاکم تأکید شده اگر چه شیعیان، نص (و نصب) و نیز شرایط زمامدار را اصل می دانند، اما بسط ید والی را به رأی و بیعت مردم منوط می دانند؛ چنانچه از علی (ع) نقل شده است: پیامبر (ص) فرمود: زمامداری امت با توست، پس اگر تو را با رضایت خاطر به امارت نشاندند، زمام حکومت را به دست بگیر (ابن طاوس، به نقل از: بحرینی، ۱۳۸۳).

همچنین در زمان بیعت مردم با علی (ع) که بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر (ص) به وقوع پیوست، در روز جمعه و در مسجد مدینه «با مردم به صراحت چنین گفت: ای مردم! امر حکومت با شماست» (hawzah.net) و در هر جا که بحث حکومت را به میان آورده، آن را ابتدا منوط به داشتن شرایط و سپس ذیل درخواست مردمان عنوان نموده است. حتی هنگام اعزام والیان به ولایات، خطاب به آنان می فرماید: «هنگامی که به آن ولایت رسیدی، مردم را جمع کن و نامه مرا بخوان که تو را حاکم به آنان قرار داده ام، سپس از مردم بخواه که درباره امارت تو نظر دهند. اگر با تو بیعت نکردند، بازگرد تا به خواست خدا، حاکم دیگری را بر آنجا تعیین کنم» (همان).

همچنان که بنیانگذار جمهوری اسلامی تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت را (در صورت داشتن شرایط) به آراء اکثریت مسلمین منوط می دانند (فیرحی، ۱۳۸۲).

۲-۲-۳- حقوق مردم و دولت

در باره حقوق متقابل مردم از دولت، امام علی (ع) حق مردم را خیرخواهی، ایجاد آسایش، تلاش برای آموزش و دانایی مردم می داند و در آن صورت، بر مردم است که

رعایت وفاداری، خیرخواهی، برخورد ناصحانه برای حکومت و اطاعت از قوانین حکومتی را بنمایند (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۲۴).

همچنین ایشان به خدا سوگند یاد می کند که مردم را به رعایت قانونی فرا نخواند مگر آنکه خود، بیش و پیش از بقیه به آن پای بند باشد (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

۳-۲-۳- مشورت و پاسخگویی

در باب مشورت، امام علی (ع) به والیان مکرراً توصیه می کند که در باره امور حکومتی با صاحب نظران مشورت کنند و بویژه از کسانی که در گفتن سخنان حق- اگرچه ناگوار – شجاع ترند، برگزینند و وقتی امام خود را برتر از آن نمی داند که از خطا ایمن باشد، کارگزاران او به طریق اولی، امکان خطا داشته اند. همچنین توصیه می کردند که در صورت گمان مردم نسبت به ظلم حاکمان، آشکارا با مردم سخن بگویند و با تبری جستن از خطا، اعتماد مردم را به آنان باز گردانند (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه های ۴۰ تا ۴۴).

۴-۲-۳- نظام قضایی

در ارکان اندیشه اسلامی، عدالت جایگاه والایی در میان مسلمانان بویژه شیعیان دارد و بالاخص در دستگاه قضایی که حساس ترین نهاد از نظر اجرای عدالت می باشد، چنانکه امام علی (ع) در دستور به والیان، برای تصدی منصب قضا، شرایطی را برای قاضی در نظر می گیرد که اهم آنها در پی می آید (برگرفته از: نهج البلاغه، نامه ۵۵):

- طمع کار نباشد و در مقابل تطمیع و تهدید ایستادگی کند؛
- از عالم ترین و صبورترین مردمان باشد؛
- برای کشف حقیقت، دقت و جدیت داشته باشد و عجله نکند؛
- بی طرفی را موکداً رعایت نماید؛ اگر حکم مشخص نشد، در جمع آوری دلایل بیشتر تلاش کند و اگر به نتیجه رسید، قاطعانه آن را اعمال نماید.

امام(ع) رضایت خاطر خود و حاکمان را در گسترش عدالت در جامعه از سوی حکومت و ارتقای اعتماد از سوی مردم به حکومت می دانست (ر. ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۵-۲-۳- مبارزه با فساد

فساد از عواملی است که موجب افول حکومت ها می شود و بدین جهت در آموزه های اسلامی، مبارزه با آن، به عنوان اصلی خدشه ناپذیر پذیرفته شده است؛ به طوری که از امام اول شیعیان نقل شده که خطاب به والیان سوگند یاد می کند که در صورت دست اندازی به اموال مسلمین ولو بسیار اندک، آنها را به روز سیاه بنشاند و همچنین، روش ایشان این بود که به کارگزاران به گونه ای (از نظر معیشت) رسیدگی و نیز نظارت شود تا حجت برایشان تمام شود و از خیانت به امانت بیت المال در امان بمانند و هیچگونه حق ویژه ای برای خود از اموال مسلمانان قائل نباشند (ر.ک: نهج البلاغه: نامه ۲۰ و ۵۳).

۴- ارزش فرهنگ و علم در اسلام

البته علم و فرهنگی که در دوران مدرن و در بخشهای توسعه مطرح است با علم و فرهنگی که در ادبیات اسلامی بر آن تاکید شده به لحاظ مفهومی کاملاً منطبق نمی باشد، که در اینجا از بحث در باره بنیادهای آن صرف نظر می کنیم و می پردازیم به قول علامه طباطبائی که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و از این قبیل به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو مستقل و ابتکاری در سرانجام، همان انگیزه های فرهنگی بود که قرآن فراهم کرده بود که مسلمین قسمت معظم مناطق معموره را در مدیریت خود داشتند (طباطبائی، ۱۳۶۹)؛ زیرا قریب ۷۵۰ آیه از قرآن در فضیلت علم، دعوت به آموزش، خواندن، اندیشیدن و تفکر بوده که بیش از ۷۰ آیه آن درباره عقل، برهان، فکر، فهم و تفقه نازل شده، در حالی که آیات احکام کمی بیش از ۴۰۰ آیه است (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳).

استفاده از علوم دیگران و دانشمندان متدین به ادیان دیگر نیز رواج داشت. همچنین مباحثات و مراودات با بزرگان ادیان دیگر برقرار و احترام دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان امری رایج بود تا آنجا که در اوج تمدن اسلامی، یک دانشمند مسیحی به ریاست بیت الحکمه دمشق گمارده شده بود (با استفاده از: زرین کوب، ۱۳۸۰).

چنانچه به تعبیر گوستاولوبون، مسلمانان بر هر شهری که مسلط می شدند، اولین کارشان بنای مسجد و مدرسه بود و به این ترتیب، بیت الحکمه ها، دارالعلم ها و نظامیه ها که کار دانشگاه های امروز را به نسبت زمان خود انجام می دادند، در بلاد اسلامی، بسیار رونق یافت (گوستاولوبون، ۱۳۴۴).

حتی مسلمانان، شرط آزاد سازی اسیران را سوادآموزی و یا در مورد اسیران چینی، کار در کارخانه کاغذسازی (بویژه در سمرقند) قرار داده بودند که به همین سبب سواد بین مسلمانان گسترش یافت و همچنین سمرقند به مرکز کاغذسازی دوران خود تبدیل شد (با استفاده از حکیمی و همکاران، ۱۳۶۰).

۵ – نگاهی تاریخی به پیشرفت های جوامع اسلامی و علل آن

جامعه اسلامی در ابتدای تأسیس، بیش از هرچیز به مجاهدان نیاز داشت و تأکیدات فراوان چه در آیات و چه احادیث و روایات، بر جهاد بود. وقتی مرکزیت حکومت مسلمین مستقر و تثبیت گردید و سپس کشورگشایی ها آغاز و سرزمین های اسلامی هرچه پهناورتر شد، به نظریه های حقوقی (فقهی) برای تنظیم امور و رابطه مردم از اقوام، ادیان و کشور های گوناگون و نیز رابطه حکومت با انواع اتباع خود نیاز افتاد که از نظر برداشت های شیعی، عمدتاً ائمه دوازده گانه(ع) و بعد از آنان فقها در این حوزه ارائه طریق می کردند و پس از تنظیم روابط، نوبت به نیازهای دیگر رسید و سرآمدان علم، فرهنگ و تئوری پردازان تمدن- به دلایلی که در قسمت های بعدی می آید- در این عرصه به ظهور رسیدند.[۳]

در قرن سوم و چهارم هجری (قرن دهم و یازدهم میلادی) مسلمانان بر بخش اعظمی از جهان بویژه نسبت به غرب برتری داشتند و در قرن پنجم و ششم هجری (قرن ۱۳ م.) خلاقیت ها، ابتکارات و نظام آموزشی که محور توسعه آن روز جهان اسلام بود، به اوج خود رسید.[۴]

۱- به عنوان نمونه محمد بن زکریای رازی(۳۱۳-۲۵۱ ه.ق)، محمد بن موسی خوارزمی (متوفی در دهه ۲۲۰ ه.ق)، ابونصرفارابی (۳۳۹-۲۵۸)، ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰) ، حسن بن هیثم (۴۳۰-۳۵۴)، ابوریحان بیرونی (۴۴۲-۳۶۲)، ابن رشد (۵۹۵-۵۲۰)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲- ۵۹۷) که از سرآمدان دانشمندان عصر خود بودند (نصر، ۱۳۵۹)؛ همچنین عمرخیام نیشابوری (صاحب رساله جبر و مقابله)، غیاث الدین جمشید کاشانی (مفتاح الحساب)، محمد بن جریر طبری، یعقوبی، ابن اثیر و ابن خلدون در تاریخ و جغرافیا، ابن بطوطه و ناصرخسرو در جغرافیا و نگارش سفرنامه و ده ها تن دیگر از بزرگترین علمای روزگار خویش محسوب می شدند.

۴- در باره توسعه جهان اسلام و از جمله اختراع چاپ (از نوع دیگری غیر از اختراع گوتنبرگ)، تولید کاغذ، قطب نما، باروت، کشف گردش خون، و بسیاری از علوم و فنون دیگر، کتابها و مقالات بسیاری در داخل و خارج از کشور انتشار یافته است که یکی از نمونه های آن ، کتاب فرهنگ اسلام در اروپا (۱۳۷۰) نوشته مبسوط زیگرید هونکه در سه جلد، قابل مراجعه می باشد.

چنانکه ویل دورانت، پیدایش و اضمحلال تمدن اسلامی را از حوادث بزرگ تاریخ دانسته که طی ۵ قرن از قرن ۷ تا ۱۲ میلادی از لحاظ نیرو، نظم، بسط قلمرو، اخلاق نیک، تکامل سطح زندگی و قوانین منصفانه انسانی و تحقیق علمی پیشاهنگ جهان بود و اروپا از مسلمانان، طبیعیات، شیمی و هیات و انواع اطعمه، دارو، درمان، اسلحه، هنر، صنعت، تجارت و دریانوردی را از طریق بازرگانی و جنگهای صلیبی فراگرفت (دورانت، ۱۳۷۳) و هزاران کتاب از عربی به لاتین ترجمه شد و در مدارس اروپایی تدریس می گردید و اروپائیان برای کسب تحصیلات عالی آن روز و نیز جهانگردی و دیدن معماری های زیبا و مجلل و کتابخانه های وسیع و مراکز علمی به جهان اسلام مسافرت می کردند و همچنین بسیاری از محصولات کشاورزی، دامداری و فنی از طریق اسپانیا به اروپا صادر می شد و در پرورش دام، طیور و میوه، بالاترین رشد جهان را داشتند و در استخراج معادن و بافت پرده ها و قالی ها و ابریشم، از بهترین ها بودند.

۱-۵- شکل گیری نهادهای بنیادی پیشرفت در دوره اسلامی

اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که شرط لازم رشد مداوم اقتصادی، نوآوری فناورانه است (Grossman & Helpman, 1991). صاحب نظران به دنبال یافتن دلایل پیشرفت ناگهانی علوم اسلامی از قرن دوم هجری بوده اند. بررسی های اخیر، دلیل اصلی را عامل رقابت (مولّد) آزاد بین فاتحان مسلمان و اتباع غیرمسلمان سرزمین‌های فتح شده می‌دانند که به پیشرفت‌های علمی اولیه در جامعه اسلامی منجر شد.

با شروع فتوحات مسلمانان، ساکنان سرزمین‌های فتح شده که نمی‌خواستند از باورهای خویش دست بردارند، اجازه یافتند در ازای پرداخت نوعی مالیات به نام جزیه، بر دین و آئین خود باقی بمانند. این افراد ذِمّی نامیده می‌شدند و از حمایت حکومت اسلامی برخوردار بودند. که این نوع برخورد در اروپای مسیحی سابقه نداشت (Lewis, 2002). زیرا هنگامی که پیامبر اسلام(ص) با مخالفان مواجه گردید، یاران خویش را تشویق کرد آنها را با دلیل و برهان مجاب کنند. رسول گرامی مأمور می‌شود انسان‌ها را به یکی از سه طریق حکمت (برهان)، موعظه (خطابه) و مجادله (جدل) دعوت به دین کند (تفسیر المیزان، ج.

۱۲). همچنین در آیه ۲۵۶ سوره بقره[۵]، به صراحت با گرویدن اجباری کفار به دین اسلام مخالف شده است (ر. ک: خیرخواهان، ۱۳۸۹).

کثرت و برتری عددی غیرمسلمانان، و قوانین اسلام که به مقامات اسلامی اجازه نمی-داد تا کفار را به زور مسلمان کنند، حکام و علمای دینی را مجبور ساخت به روش‌های عقلی و منطقی برای اقناع مخالفان متوسل شوند. آنها از طریق اعطای معافیت مالیاتی و نیز ارتقای جایگاه اجتماعی تازه‌مسلمان‌ها، سعی می‌کردند کفار را به دین خود ترغیب کنند. اما اگر شخصی مسلمان می‌شد امکان تغییر دین خود را نداشت. در این بین، علمای یهودی و نصرانی بیکار ننشسته و با استدلال‌های منطقی، با علمای مسلمان بحث های علنی می-کردند تا مانع مسلمان شدن هم‌کیشان خود شوند. به این ترتیب، بحث و جدل بین ادیان تقریباً تنها وسیله‌ای شد تا برتری هر دین به اثبات رسد.

مسلمانان تشخیص دادند که اهل کتاب در این مباحثات، دست برتر را دارند. آنها به منابع حکمت یونانی دسترسی و سابقه بیشتری در مباحث داشتند که مسلمانان از آنها محروم بودند. و کفار در این زمینه موفق‌تر ظاهر می شدند. به دلیل عملکرد ضعیف مسلمانان اولیه در مباحثات بین ادیان، حاکمان سیاسی و علمای دینی مسلمان را مجبور ساخت تا اجازه ترجمه آثار مختلف ایرانی و یونانی و نیز رقابت بین ادیان را به دانشمندان اسلامی و غیراسلامی بدهند تا به استدلال‌های غیرمسلمانان پاسخ داده شود. تحمل و مدارا با غیرمسلمانان باعث ایجاد محیط رقابتی بین ادیان و فرهنگ‌ها گردید. آنان همچنین از ترویج علم کلام- جهت استدلال عقلانی باورهای اساسی مسلمانان- حمایت کردند. پس از آن، فقها و متکلمان، تقریباً آزادانه پاسخ‌هایی برای سؤالات و شبهات علمای ادیان دیگر پیدا کردند که لزوماً کتاب و سنّت به آن صورت به آنها نپرداخته بود (همان).

بدین گونه، بازاری پررونق و رنگارنگ از تبادل نظرات و استدلال‌های ادیان مختلف به وجود آمد که آزادانه با هم رقابت می کردند. از رهگذر رقابت بین اسلام و ادیان سرزمین‌های فتح شده و مدارای دینی که در ابتدا به وجود آمده بود، علوم گوناگون پیشرفت کرد و نوآوری و اختراعات افزایشی شگرف یافت. نوآوری‌های آنها موتور رشد و پیشرفت بود و به تغییر جهان‌بینی مسلمانان نیز کمک کرد؛ که عامل اصلی در خیزش

۵. لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فقد استَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقی لاَ انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمیعٌ عَلیمٌ.

تولید علمی مسلمانان به شمار می‌آید. اگر جهان اسلام در آن زمان پیشرفته‌تر بود، یک دلیل آن این است که در صف اول نوآوری علمی و فناوری ایستاده و در سده دوم هجری، معرفت و خلاقیت اسلامی به منتها درجه خود رسیده بود (Kuran, 1997 به نقل از: خیرخواهان، ۱۳۸۹).

۲-۵- علل عدم تداوم پیشرفت جوامع اسلامی

افول تولید علمی و پیشرفت مسلمانان از قرون بعد آغاز می شود. که دلیل اصلی آن را، مقاومت فرادستان سیاسی و نخبگان در برابر آزادی مباحثات، رقابت و جلوگیری از نوآوری می‌دانند.

پس از عقب ماندن جوامع اسلامی بویژه از غرب، صاحب نظران مسلمان با تأخیری نسبتاً زیاد، به این موضوع توجه نشان دادند. در قرن دهم هجری(۱۷م) غریبان بر مسلمانان تسلط کامل یافتند ولی، اولین متفکر صاحب نام در این زمینه عبدالرحمن ابن محمد ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ هجری، تونس) است که به نظریه پردازی در این زمینه پرداخت که حدوداً دو قرن از آغاز عقب نشینی های مسلمانان می گذشت.

وقتی جامعه مسلمین رو به افول می نهاد، نخبگان دولتی و غیردولتی، تفوق غرب را بیشتر در جنگها مشاهده می کردند و اینکه کشتی های توپدار از فرسنگ ها راه دور به منطقه می آیند و مرزهای مسلمانان را مورد هدف و تهاجم قرار می دهند. از آن پس، توجه آنها معطوف به تسلیحات پیشرفته زمان و نیز کارخانجات اسلحه سازی شد و بعد از آن بود که مشاوران نظامی غربی دعوت شدند تا در ساخت اسلحه و کشتی سازی به مسلمانان کمک کنند و اندکی پس از آن، متوجه پیشرفت های پزشکی و مداوای بیماران در غرب شدند و حوزه پزشکی نیز به دغدغه مهمی در کشورهای اسلامی و از جمله ایران تبدیل شد.

اما دولتمردان و نخبگان آن زمان، از درک نهادهای تقویت کننده علوم و فنون، پیشرفت اقتصادی و شناسایی رفتار اجتماعی مسلمانان در دوران رونق و عظمت عاجز بودند. و از سوی دیگر، غربیان به این رموز و البته با بنیان های فکری خود آشنا شده بودند؛ به طوری که تا قرن ۱۹ حتی یک اثر با محتوای اقتصادی به زبان مسلمانان - عمدتاً عربی، فارسی و ترکی - ترجمه نشده بود؛ در حالی که تا پایان قرن ۱۸، اروپائیان ۹۵ کتاب دستور

زبان و ادبیات فارسی، ترکی و عربی و ۲۱ فرهنگ لغت منتشر کرده بودند، در حالی که در کشورهای اسلامی تا قرن ۱۹ حتی یک کتاب دستور زبان و یا دائره المعارف و فرهنگ زبان و ادبیات غربی انتشار نیافته بود (لوئیس؛ کوران، ۱۳۷۹).

با توجه به اینکه در چنین شرایطی، عموم مسلمانان بی سواد بودند، در جهان توسعه یافته آموزش عمومی رایج می شد و به این جهت، کمپانی های غربی که با کشورهای اسلامی تجارت می کردند، طرف تجاری خود را از اقلیت های دینی انتخاب می کردند و اقلیت های دینی هم نمی توانستند که با جوامع اسلامی عجین شوند و علاوه بر آن، برخی ملاحظات مذهبی مانع از این می شد که مسلمانان بتوانند از طریق اقلیت ها بر رموز تجارت خارجی تسلط یابند و نیز ارتباط گیری با شرکت های خارجی از طرف مسلمانان به آسانی میسر نبود.

قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این موضوع از بحثهای جدی و مطرح بوده که پژوهشگران بسیاری در باره آن اظهار نظر و احیاناً ارائه طریق نموده اند، از جمله : برداشت جزم اندیشانه و ایستا از دین و عدم تلاش برای انطباق معیارها و ارزش های متحول جامعه باعث عقب ماندگی شد؛ اندیشه ای که در زمان خود مانع پیشرفت نبودند اما استمرار آنها مشکلات را به وجود آورد (علمداری، ۱۳۸۷).

از مشکلاتی که برشمرده شده، از وضعیت زمین داری در ایران و برخی کشورهای اسلامی، تا جنگهای مستمر، تعصب، نگرش به کار، ظاهرپرستی، منافع کوتاه مدت و از این قبیل بوده که هر یک در جای خود، توضیح جنبه های مختلف عدم توسعه یافتگی کشورهای اسلامی و پیشرفت غرب را بیان می کنند که اگر آنها را به ریشه ها برگردانیم که توسط متفکران مختلف و از زوایای گوناگون بیان شده است، به چند نکته اصلی زیر در این باب رهنمون می شویم:

عوامل اصلی افول پیشرفت مسلمانان

برخی عناصر فرهنگی، اجتماعی و ... در دوران هایی، باعث شکوفایی تمدنی می شوند اما در مقطع دیگری با گذر زمان و تحول اجتماعات، ممکن است همان ها به عنوان مانع پیشرفت عمل نمایند؛ که ترجمه آثار و اندیشه های ارسطو، افلاطون و سقراط و به کارگیری نتایج آنها از جمله این عوامل بود که از مقطعی به بعد، به جای نقد و تکمیل و در

موارد لازم، تجدید نظر روی آنها، بهره گیری از آنها تداوم یافت. در ادامه به اهم مواردی که باعث افول تمدن اسلامی شدند، اشاره می گردد:

۱-۶- تداوم سیطره ارسطو در فلسفه نظری

در بخش بزرگی از جهان اسلام، در حوزه های علمی و فلسفی، اندیشه ارسطو حاکمیت داشت که بر محور«ماهیت گرایی» استوار و درحد نیازهای جوامع پیشرفته آن روز جوابگو بود. این اندیشه در قرون وسطی به جهان اسلام راه یافت و در دوران پس از رنسانس که دانشگاه ها و مراکز علمی غربی از بخشی از فلسفه ارسطو فاصله می گرفت و رفته رفته به «تجربه گرایی» روی می آورد، این روند در میان مسلمانان از رونق کمتری برخوردار شد؛ اگر چه پس از پیشرفت های معرفت شناسی و تعیین حدود فاهمه و تجربه بشری بویژه توسط کانت، تجربه گرایی محض تعدیل شد و تجربه گرایان راه تواضع در پیش گرفتند؛ اما تداوم ماهیت گرایی ارسطویی، راه را بر تجربه گرایی می بست و در چارچوب آن نگرش، جوامع توسعه یافته امروزی پدید نمی آمد.

۲-۶- تسلط تفکر افلاطونی در فلسفه سیاسی

در کشورهای شرقی اسلامی بر خلاف حوزه فلسفه و منطق که اندیشه های ارسطو بیشتر غالب شد، در حوزه فلسفه عملی (سیاسی)، تفکر افلاطون سیطره یافت؛ به طوری که کتاب «جمهوریت» افلاطون که بر خلاف عنوان آن با دموکراسی نسبت چندانی نداشت، در نهضت ترجمه، به زبان عربی و بعدها به زبان های دیگر مسلمانان برگردانده شد و حتی در برخی کشورهای شرقی غیراسلامی[۶]، در قرن بیستم این تفکر رسماً برخی نظام های سیاسی را در برگرفت. در صورتی که ترجمه کتاب «سیاست» ارسطو در یکی- دو قرن اخیر ترجمه شده است.

این دیدگاه افلاطونی را اگر به حوزه اقتصاد برگردانیم که سیطره دولت بر اقتصاد نتیجه آن است، در بررسی اندیشه اقتصادی در کشورمان ملاحظه می کنیم که اولین کتاب اقتصادی که به فارسی ترجمه شده است، کتاب «اقتصاد سیاسی» نوشته «سیسمون دو

[۶]- از شوروی سابق گرفته تا اروپای شرقی و چین.

سیسموندی» اقتصاددان سوییسی مخالف اقتصاد آزاد بود (سیسموندی، ۱۳۸۶: مقدمه، ص۱۲).[۷]

ایده سیطره دولت بر اقتصاد و تحدید مالکیت خصوصی، همواره مد نظر روشنفکران سده اخیر در ایران بوده و در دهه های گذشته به متفکران دینی و نیز روحانی سرایت کرده، و از این جهت کافی است که آثار نویسندگان اثرگذاری چون جلال آل احمد، علی شریعتی[۸] و حتی مرتضی مطهری[۹]، سید محمد حسینی بهشتی[۱۰] و محمد باقر صدر[۱۱] مرور گردد. البته که اگر آنان عمر طولانی تری داشتند، چه بسا در دیدگاه های خود تجدید نظر می کردند.

۳-۶- نگاه سقراطی به حقوق و عدالت

۷. سیسموندی اولین اقتصاددانی بود که به مخالفت با اقتصاددان کلاسیک برخاست و بر خلاف آنها، نوشت که افزایش ثروت هدف اقتصاد نیست و تأکید نه بر تولید ثروت که بر توزیع آن است. وی مداخله دولت را به جای رقابت آزاد خواستار می شود. جالب است که حدود یک قرن پس از ترجمه آن کتاب، رساله «ثروت ملل» آدام اسمیت به عنوان اولین کتاب کلاسیک علم اقتصاد در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی به فارسی ترجمه و منتشر شده؛ درحالی که ثروت ملل حدود نیم قرن قبل از اقتصاد سیاسی نگارش یافته بود.

۸. به جمله ای از وی بسنده می کنیم: «ما سوسیالیستیم ... سوسیالیسم برای ما تنها یک سیستم توزیع نیست، یک فلسفه زندگی است (شریعتی، ۱۳۵۹: ۸۰).

۹. برای نمونه: «اسلام مالکیت فردی و شخصی را در سرمایه های طبیعی و صناعی (امثال زمین و ماشین های تولیدی) نمی پذیرد و مالکیت را در این امور عمومی می داند؛ ولی مالکیت عمومی کار را نمی پذیرد. آن مقدار از سوسیالیسم از نظر اسلام قابل توصیه است که قسمتی از سرمایه ها یعنی سرمایه های عمومی بالاشتراک باشد و اما کار اشتراکی الزامی و اجباری را هیچگونه نمی توان از اسلام استنباط کرد؛ مگر اینکه در موارد خاص در زمین های عمومی و کارخانه ای که کار فردی میسر نباشد (مطهری، ۱۳۶۱: ۵۴).

۱۰. «از بررسی تعالیم اسلام این اصل به دست می آیدکه مالکیت تنها در پرتو کار به دست می آید» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۵۳۷) و «سرمایه های بزرگ لازم نیست همیشه متعلق به شخص یا اشخاص معین و محدود باشد ... وظیفه دولت هاست که از بودجه عمومی بانک هایی ... تأسیس کنند تا وام بزرگ یا کوچک بدون بهره به افراد یا مؤسسات خصوصی بدهند و به این وسیله نبض اقتصاد مملکت را بهتر در دست گیرند» (همان: ۶-۵۵۴).

۱۱. «اسلام هیچگاه اجازه مالکیت خصوصی بر منابع ثروت و انواع مختلف ذکر شده (زمین، معدن و آب) را نمی دهد؛ بلکه مدعی است که منابع اصلی و دایره ثروت همواره باید در مالکیت دولت باشد و یا به صورت مباحات عمومی در اختیار جامعه قرار گیرد» (صدر، ۱۳۵۹ :۲۲).

سقراط عدالت را حسن و فضیلت نفس انسانی می دانست و آتنی ها را به دلیل جذب به ثروت، شهرت و افتخار به جای حکمت، حقیقت و بهبود نفس، سرزنش می کرد و تکامل نفس را برای کسب فضیلت اخلاقی و عدالت لازم می شمرد (افلاطون، ۱۳۷۴).

بسیاری از علمای مسلمان دیدگاه مشابهی در این باره داشته اند. خواجه نصیرالدین طوسی تحت تأثیر حکمای یونان، عدالت را هماهنگی قوای نفس می داند (طوسی، ۱۴۱۵ق.) و ابن مسکویه نیز به همین تعریف قائل است و اینکه قوه ای بر قوه دیگر غلبه نیابد (ابن مسکویه، ۱۴۱۵ق.). همچنین ملا مهدی نراقی عدالت را تعادل قوا در فرمانبرداری از عقل تفسیر می کند (نراقی، ۱۳۸۳).

اعتقادات ایستا در کلام و فقه بویژه نزد اخباریون که صرفاً به صورت و ظاهر آیات، احادیث و روایات تأکید و بر آن بسنده می‌کردند، نیز از مشکلات و مانع پیشرفت بود. اخباری‌گری تا اواخر دوران قاجار به حیات خود ادامه داد و پس از آن نیز حقوق که می باید بر مدار قانون و عدالت درباره اتباع استوار شود، در مراکز علمی- دینی طرح نگردید و رابطه مؤمنان و دین (ارباب دیانت) به صورت تعلیم احکام از سوی دین‌مداران و اجرای احکام از سوی مؤمنان، به همان صورت قرون قبل ادامه یافت و حتی تئوری‌ها و کتب حقوقی با فواصل زمانی بسیار زیاد ترجمه و مورد استفاده منورالفکران بود تا اینکه در حوزه‌های درسی دینی درباره آنها بحث و احیاناً نقد به عمل آید.

در مورد مهمترین نهادی که حق و عدالت می‌باید در آنجا حرف اول را بزند و اینکه عموم فقهایی که به ولایت عامه نیز معتقد نیستند، قضاوت را از شئون مجتهدان می‌دانند، باید گفت که در آنجا نیز قرنها، علم قاضی عادل- عدالتی با تعریفی نزدیک به تعاریف فوق- ملاک اصلی و نهایی صدور حکم بوده است و اینکه قاضی لزوماً طبق آیین دادرسی، مسیر خاصی را طی کند و از نظریه‌ها و روشهای مختلف حقوقی و عادلانه مثلاً استفاده متهمان از وکیل بهره‌گیری کند، از دستاوردهای دوران متأخر می‌باشد.

در گذشته، ضعف در داوری و اعمال رای و مهم تر از همه، نفوذ حکام و صاحب منصبان حکومتی بر امر قضا از مهمترین عوامل سستی این نهاد بود. قضات استقلال رای و نیروی مستقل نداشتند و برای اعمال قدرت به وزیر و ... متکی بودند. صاحب منصبان و عوامل ذی نفوذ در امر قضا دخالت می کردند. از زمان سلجوقیان، وزیر از طرف سلطان مکلف گردید تا امور مذهبی را زیر نظر بگیرد. بنابراین حکام اختیار عزل و نصب قاضی را تا

قبل از اینکه در انحصار شخص حاکم بود به وزیر تفویض نمودند. با کشته شدن خلیفه بغداد به دست مغولان و برچیده شدن نهاد دارالخلافه (در سال ۱۲۵۸م.) قاضی از سوی حکام و صاحب منصبان محلی برگزیده می شد. و در آخر زمین دار شدن بسیاری از قضات از قرن ۱۳ میلادی به بعد، بی طرفی نسبی که قضات در داوری مابین مردم عادی از یک طرف و طبقه ممتاز عمال کشوری و لشکری از طرف دیگر، از خود نشان می دادند، از میان رفت (با استفاده از زیبا کلام، ۱۳۷۴).

۴-۶- غلبه نگاه صوفیانه و عدم شکل گیری عقلانیت ابزاری

از نگاه برخی صاحب‌نظران، تصوف که در جای خود، نوعی تطابق زندگی فردی با شرایط اجتماعی است که در کشور ما به دلیل ناامنی دائمی و تهاجمات داخلی و خارجی، ریشه‌دار شده و در زمان هایی برای حفظ دستاوردهای جامعه از چپاول مهاجمان نیز مفید بوده است و حتی بزرگترین عارفان و صوفیان و شاعران تصوف پیشه نیز در اوان و پس از حمله مغول ظهور کرده و ماندگار شده‌اند؛ بزرگانی چون مولانا جلال‌الدین محمد رومی بلخی، شیخ مصلح الدین سعدی، خواجه محمد حافظ شیرازی.

این نگاه صوفیانه که محصول سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن در دوره صفویه در تاریخ ایران انعکاس یافته، توسط مرشد کامل شیخ اسماعیل صفوی[۱۲] به عرصه سیاست تعمیم یافت و ماندگار شد.[۱۳]

این تحلیل درستی است که می‌گوییم نباید از مکتب تصوف- به دلیل دنیاگریزی- انتظار نظریه‌پردازی داشت ولی تحلیل معرفتی موضوع، آن است که صوفیان برای رسیدن به حق، راهی را انتخاب کرده بودند که این راه احتیاجی به عدالت و تئوری‌پروری در باب عدالت نداشت. آنان معتقدند که برای رسیدن به حقایق عالم که هدف اصلی و اصیل آنها

---

[۱۲]- اینها دقیقاً از القاب بنیانگذار جوان صفوی بوده است. برای بررسی بیشتر ر.ک: جنگ میهنی ایرانیان در چالدران (نفیسی، ۱۳۸۱).

[۱۳]- جالب است که شاه اسماعیل که از نوابغ نظامی قرون اخیر کشور محسوب می‌گردد و به او لقب شکست ناپذیر داده بودند، اولین شکست خود را در چالدران تجربه کرد، زیرا معتقد بود استفاده از توپهای جنگی که آن ایام رایج شده بود و نیز شبیخون زدن و حمله به پشت جبهه دشمن، خلاف جوانمردی- با برداشت صوفیانه- است. این شکست در ۲۸ سالگی او اتفاق افتاد و پس از آن تا ۳۸ سالگی که در قید حیات بود، در افسردگی و می‌گساری در حرمسرا زیست (همان).

است، راهی وجود دارد که از راه تحقیق، مشاهده و تجربه عالم خارج نمی‌گذرد و شواهد و قرائنی نیاز ندارد، برهان نمی‌خواهد، مقدمات عقلی لازم ندارد و راهشان راه میانبری است که از مسیر شهودی و غور در وجود خود و تهذیب نفس می‌گذرد که البته در زندگی فردی و بویژه برای نوادری از بزرگان تاریخ ما، دریچه هایی از معرفت و عرفان گشوده است و کثیری از شیفتگان را به وارستگی و رستگاری رهنمون شده اند.

اما در چنین مکتبی به تئوری‌پردازی درباره پیشرفت، توسعه، تمدن، حقوق و عدالت، نیازی نیست و حق و عدل نیز فقط در عدالت درونی و اعتدال نفسانی حاصل می‌شود تا روح آدمی، آماده مکاشفات گردد و به همین دلیل بود که صوفیان ما در سیاه‌ترین ادوار تاریخ و در ظل مستبدترین و خونریزترین شاهان، می‌توانستند به تجربه عرفانی برسند و رازهای بلند عالم را کشف کنند.

به دلیل وجود قدرتمند این مؤلفه ها و عناصر تاریخی و سنتهای فرهنگی - دینی، در قرون اخیر، عقلانیت ابزاری در کشور های اسلامی چندان به عمل در نیامد و رشد نکرد. منظور از عقلانیت ابزاری، عقلانیتی است که با استفاده از آن، از ابزارهایی استفاده نماییم تا ما را کارآمدتر، زودتر و با عوارض جانبی کمتر به هدف برساند. عدم شکل‌گیری و گسترش عقلانیت ابزاری، همواره مسلمانان را در رسیدن به یک جامعه ایده‌آل که مشخصات آن دائماً از سوی برخی ابراز می‌شد، ناکام می‌گذاشت.

۵-۶- مشکلات نظام فرهنگی و آموزشی

در فاصله زمانی بین سده‌های نهم و پانزدهم میلادی، آزادی نوآوری پایان یافت، چون «باب اجتهاد» بسته شده بود و حکم مستقل دیگر مجاز نبود. و این به معنای در دسترس بودن همه پاسخ‌ها بود و هر کسی صرفاً باید پیروی و اطاعت کند. نظام آموزشی بر حفظ نمودن، به قیمت کنارگذاشتن حل مساله تأکید داشت (ر. ک: خیرخواهان، ۱۳۸۹).

رفته رفته بین مسلمین، علم و فرهنگ به سنت هایی لایتغیر تبدیل شد و ابداعات، اکتشافات و اختراعات جای خود را به تقلید، محفوظات و تقدس علما و متون قدیمی داد.[۱۴] دانش، دیگر آن چیزی نبود که بر تحقیق استوار باشد بلکه مفهومی شد که می‌باید آن را صرفاً از معلمان و استادان فرا گرفت؛ پاسخ تمام پرسشها قبلاً داده شده بود و فقط می‌باید

[۱۴]- چنانکه سعدی سروده: مرا در نظامیه ادرار بود شب و روز تلقین و تکرار بود

آنها را آموخت. هرچه آموزش نقادانه رو به افول می‌گذارد، متون قدیمی احترام بیشتری می‌یافت و تأکید بر حفظیات افزونتر می‌شد؛ ضمن اینکه اگر هر از چندی اندیشه‌ای مغایر با سنت های رایج مطرح می‌گردید، به دلیل ایجاد شبهه در جامعه مسلمین و خدشه‌دار نمودن وحدت مسلمانان، مخالفت با اسلام قلمداد می‌شد و محدودیت های بسیاری برای متفکران نقاد و تفکر نقادانه، ایجاد و تا طرد و بعضاً در مواردی «ارتداد» صاحب آن نوع نظرات پیش می‌رفت.

یکی از دلایلی که تقاضای کتاب و فرهنگ کتاب‌خوانی در جوامع مسلمین رو به افول گذارد، همین برخوردها بود تا جایی که ماشین چاپ جدید که تاریخ اختراع آن در اروپا به قرن ۱۵ میلادی برمی‌گشت، پس از ۳ قرن و در قرن ۱۸[۱۵] به کشورهای اسلامی خاورمیانه رسید (با استفاده از: کوران، ۱۳۷۵).

در همان حوزه فرهنگ اسلامی که در قرون اولیه، عالمان و متکلمان، مباحثات آزاد بسیاری در مهمترین مفاهیم دینی را انجام می‌دادند، کشف و نقد و تحقیق، جای خود را به تقلید از بزرگان داد.

و بعدها نیز که دارالفنون[۱۶] و دانشگاه در کشور تأسیس شد، برخلاف اروپا که با حفظ نهادهای آموزشی گذشته، کم‌کم به نقد و اصلاح آن همت گماشت[۱۷]، در کشورهای اسلامی، مؤسسات جدید آموزشی در تقابل با نهادهای سنتی شکل گرفت و باعث هرز روی نیروی هر دو طرف گردید؛ در حالی که قدیمی ترین دانشگاه انگلیسی زبان، آکسفورد توسط مقامات مذهبی با شعار «خداوند راهنمای من است»[۱۸] در قرن ۱۱ میلادی تاسیس گردید و

۲- اختراع ماشین های چاپ جدید توسط گوتنبرگ در آلمان مربوط به سال ۱۴۵۳ میلادی و ورود آن به کشورهای مسلمان در خاورمیانه سال ۱۷۲۷ می‌باشد.

۱۶- ایده دارالفنون توسط میرزاتقی خان امیرکبیر از عثمانی برگرفته شده بود و نکته جالب و اسف بار اینکه دارالفنون ایران یک سال پس از قتل امیرکبیر افتتاح گردید که خود گویای وضعیت عقب ماندگی است که در جای خود قابل بحث و بررسی بسیاری است.

۱۷- اگرچه در اروپا نیز پس از قرون وسطی، نهادهای جدید با کلیسا سر ناسازگاری گذاشتند اما لزوماً این تقابل بین دانشگاه ها و نهادهای دینی نبود و ستیزی که بین کاتولیک ها و پروتستان ها درگرفت، قابل مقایسه با رودررویی دانشگاه با نهاد دین نبود.

Dominas I Luminatio Mea :2- Wikipedia.org

دروس اولیه آن، عمدتاً الهیات انجیلی و درس اخلاق بود که مفسران بزرگ کتاب مقدس در آنجا تدریس می کردند و متالهین برجسته ای را نیز تربیت نمودند.

کالج ها و کتابخانه های این دانشگاه عمدتاً توسط کلیسا راه اندازی شده و فعالیت های انتشاراتی آن، هنوز زیرمجموعه یک بنیاد خیریه و خود نیز به عنوان یک مؤسسه خیریه به ثبت رسیده که با چاپ روزانه بیش از ۱۲ جلد کتاب (سالانه بیش از ۴۵۰۰ عنوان) بزرگترین انتشارات دانشگاهی جهان است. همچنین در مدرسه الهیات و مطالعات دینی دانشگاه آکسفورد، بیش از ۱۰۰ استاد به تربیت بیش از ۵۰۰ دانشجو اشتغال دارند که به عنوان یکی از بهترین دانشکده های انگلستان شناخته می شود.

دانشگاه های غربی از بطن نهادهای دینی برآمدند، برخلاف کشورهای اسلامی و بویژه ایران که با بی اعتنایی به تأسیسات دینی و بعضاً در مقابله با آن نهادها ایجاد گردیدند و به همین دلایل، با استقبال دینداران مواجه نشدند و این تقابل، نه به پیشرفت اندیشه های دینی و نه به توسعه اقتصادی انجامید.

۷- فرایند پیشرفت با رویکرد اسلامی

تا آنجا که بررسی ها نشان می دهد، عناصری که در قرون اولیه اسلام، عاملی برای آبادانی به شمار می آمد و در زمان خود، کارکردهای مثبت و قوی داشت اما استمرار و تداوم آنها برای جامعه و جهانی که دیگر شده بود، مشکلاتی را به وجود آورد که جوامع اسلامی را از رشد باز داشت.

خاورمیانه چند قرن آباد بود، اما به عنوان مثال در دمشق (یکی از مراکز اصلی بلاد اسلامی) قواعد و رسوم اعتباردهی تا قرن هیجدهم میلادی، فرقی با قرن دهم نداشت؛ قوانینی که در هزار سال قبل، بسیار کارآمدی داشت، در ۲ قرن پیش به مانعی برای توسعه تبدیل شده بود (Kuran, 2006).

در قرون اولیه اسلام، مبادلات بین فرهنگی داخلی و خارجی حاکم بود و رقابت بین اصحاب علوم و مکاتب برقرار و موجب پویایی بود ولی بعدها، یک تفسیر با یک جهان بینی ایستا و نیز ساختارهای نهادی و چارچوب های سازمانی متصلب حاکم شد و ابراز و ارائه بدیل های رقیب، پرمخاطره گردید و بدگمانی نسبت به امور نوظهور، در افول اقتصادی نقش داشت و تا مدتی تعادل ایستای ناپایداری حاکم بود که نتوانست پاسخ کارآمدی به

چالشهای مطرح شده و بعدها در برابر اقتصادهای پیشرو اروپائیان ارائه دهد که خود مخرب خویش گردید (ر. ک: کوران، ۱۳۷۵).

در هر دینی، کمابیش عناصری از عوامل پیشرفت و نیز غیرآن وجود دارد و مسلمانان نیز دوره های اوج شکوفایی و نیز دوره های بی تحرکی را تجربه کرده اند. اینکه چه عناصری از ادیان برجسته گردد، بستگی به عوامل بسیار از جمله شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد که پارادایم تفسیری نخبگان را شکل می دهد که این پارادیم ها چه بسا برون دینی باشد؛ به این معنا که اگر ساختار ذهنی عالمی، بر محور عدالت شکل گرفته باشد، عناصر عدالت گرایانه را از دین برخواهد گرفت.

تاریخ اسلام نشان می دهد، در هر دوره ای، برخی عناصر، برجستگی یافته و برخی عناصر کاملاً غایب بوده اند؛ که می توان نتیجه گرفت: عناصر مثبت در متون به تنهایی برای تأسیس نظامات توسعه ای کافی نیست و به شرط تلاش فراوان بویژه پویشهای علمی[۱۹] امکان رسیدن به مطلوب، میسر می شود.

[۱۹]- والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین (عنکبوت: ۶۹).

۸- سخن پایانی

- رشد علم در میان مسلمانان از جمله ایرانیان در قرون اولیه ظهر اسلام، یک رشد تاریخی، خودجوش و درونزا نبود؛ اگرچه پتانسیل آن ایجاد شده بود. نهضت علمی یک نهضت طبیعی نبود، بلکه در اثر ترجمه به وجود آمد و بالطبع از خود، جهت و هویت عمیقاً مستقل نداشت. محققان مسلمان بیشتر به کار ترجمه و درک دقیق و اصل نظر مؤلف مشغول بودند تا سبک و سنگین کردن و نقادی اثر. در ترجمه، تفکر و کنکاش تحت الشعاع پذیرش نظر دیگران قرار می گیرد؛ در حالی که علم زمانی می تواند رشد کند که معرفت و آگاهی های قبلی مورد تردید قرار گیرد. و از سویی، در دوره شکوفایی تمدن اسلامی، رونق علمی را حکومت به وجود آورد و پدیده ای که حکومت به وجود آورد، ممکن است در مواقع لزوم بتواند آن را از بین ببرد (ر. ک: زیبا کلام، ۱۳۷۴).

- از طرف دیگر، مباحث فرهنگ و اقتصاد اسلامی و الگوی پیشرفت منبعث از آن، بیشتر یک صبغه هویتی و نمادی یافته- که از هند در برابر استعمار گران آغاز شد و امروزه در برابر فرهنگ جهانی و جهانی سازی، مطرح می شود- و با چالش های مهم فرهنگی و اقتصادی عصر حاضر کمتر درگیر شده و کاربرد های عملی آن بر ارتقاء فرهنگی و از بعد اقتصادی، کاهش فقر، کنترل نابرابری یا افزایش کارآیی اندازه گیری نشده است.

- جهان اسلام نیاز به پاسخ های نوآورانه برای مشکلات واقعی خود دارد. بانک گرامین در بنگلادش که توسط محمدیونس و کمابیش با همین انگیزه و غیر ایدئولوژیک (غیر چپ گرا) پایه گذاری شد، نقش بیشتری در ارتقای زندگی فقرا و نیز پیشرفت اقتصادی داشته است (با استفاده از عاصم اوغلو، ۱۳۸۰).

در تفکر سنتی ما- مثلاً در کتابهای اخلاق اسلامی اعم از امامیه و اهل سنت- ضعیف ترین بخش، بخش روشها و قویترین آنها بیان ایده آل هاست که بسیار مفصل، شکوهمند و دلرباست و تنها کاری که می کند، ایجاد یک حسرت در دل آدمی است که چگونه اینها را اجرا کنیم. عدم بهره گیری از روشهای آزمون شده، بیش از اینکه افراد را مسلط و موفق کند، همواره احساس می کنند که گنج های عالی موجود است، اما، اتفاقاً ممکن است در دسترس قرار گیرد که طرف دیگر این اندیشه، تصادف (بخت و اقبال) اندیشی است و نه یک متد و الگو و رویه ای که جامعه را به مقصد برساند.

در اقتصاد و پیشرفت با الگوی اسلامی، اگر به عدالت، حقیقت و آزادی قائلیم، راه میانبری وجود ندارد که سریعاً جامعه ما را به آن ایده آل ها برساند؛ نظام هایی که در قرن بیستم[۲۰] می خواستند صرفاً با قدرت دولت و بدون استفاده از تجارب آزمون شده، از راه های سریع و آسان، بهشتی زمینی برای مردم بسازند، سر از جهنمی درآوردند که خود نیز در آن سوختند.

در بحث های اقتصادی اسلامی و نیز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و بویژه سند چشم انداز ۱۴۰۴، بیشتر اهداف و مقاصد والا بیان شده است؛ مانند اینکه تنها اسلام است که می تواند همزمان بین اهداف مادی و اخلاقی [و میان کارآیی اقتصادی[۲۱]و برابری توزیعی[۲۲]] رابطه تکمیلی[۲۳] برقرار کند (با استفاده از چودری، ۱۳۷۷) و علی رغم بحث هایی در روش، روشها چندان وسیع، عمیق و دقیق تبیین نشده و یا به صورت میدانی، چنانکه باید و شاید - بجز برخی مباحث تأمین مالی مانند بانکداری بدون ربا - به آزمون گذاشته نشده است. جامعه اقتصادی زیبایی را گاهی ایده آل گرایانه تصویر می کنیم، و اینکه با کدامین بستر، زمینه و شرایط و بویژه با کدامین روش و ابزار تجربه شده باید اجرا گردد، چندان روشن نیست[۲۴].

در توضیح عدالت تخصیصی و عدالت توزیعی[۲۵] باید گفت که این دو عدالت، همزمان چندان برقرار شدنی نیستند. اقتصاد متعارف (نئوکلاسیک)، بیشتر بر کارآیی (عدالت تخصیصی) و اقتصاد سوسیالیستی بر برابری تقسیم محصولات (عدالت توزیعی) تأکید دارد که سوابق نشان می دهد که تقریباً در هیچ تجربه ای تمرکز صرف بر عدالت توزیعی، در بلند مدت به عدالت تخصیصی منجر نشده، اما تجربیات کشورهای چندی بیانگر این است که عدالت تخصیصی در بلندمدت می تواند به عدالت توزیعی منتهی شود.

۲۰- از قبیل کمونیزم در اتحاد جماهیر شوروی، فاشیزم در ایتالیای موسولینی و نازیسم در آلمان هیتلری.

۲۱- Economic efficiency

2- Distributive equity

3- Complementavity

۲۴- کافی است قانون برنامه پنجم و نیز اجرای آن، به صورت دقیق و تخصصی بررسی گردد که در این نوشتار مجال آن نیست.

۲۵- برای بررسی بیشتر ، ر. ک : رنانی (۱۳۸۵).

در الگوهای اسلامی، توجه بیشتر به عدالت توزیعی است، در صورتی که اگر دولت ها بسترهای تحقق عدالت تخصیصی را فراهم کنند، امکان عدالت توزیعی نسبی قابلیت دسترسی بیشتری دارد؛ ضمن اینکه می باید کالاها و خدمات قابل توجهی تولید گردد تا بحث های گسترده و پرسابقه توزیع، محلی از اعراب داشته باشد!

در توسعه سکولار (سرمایه داری)، همه مفاهیم و حتی اخلاق، حول نفع شخصی شکل می گیرد، که نهایتاً به خودخواهی و سواری مجانی[۲۶] و با کمترین گذشت نسبت به جامعه می انجامد؛ در حالی که در نگاه دینی، گذشت، فداکاری، ایثار، جود و کرم نسبت به دیگران بویژه نسبت به جامعه، از بالاترین ارزش ها است و حتی در همان جوامع سکولار، ابداعات بویژه در ابتدای شکل گیری آن جوامع، از سوی دانشمندانی به وقوع پیوسته که نفع شخصی نقش زیادی در فعالیت هایشان نداشته و چه بسیار صاحب نظرانی که مشقات بسیاری را متحمل شده و حتی جان خود را در مسیر تحقیقات علمی از دست داده اند[۲۷] که کاملاً با سودجویی فردی در تعارض بوده است. نگاه دینی ابتدا می باید در جامعه اسلامی به عمل درآید تا بعد، الگوهایی این چنین جوابگو باشد. در جوامعی که نفع شخصی در اکثر قریب به اتفاق موارد، انتخاب ها را جهت می دهد، اجرای این الگوها با موفقیت چندانی روبرو نخواهد شد.

تاریخ نشان داده که در اسلام مانند ادیان دیگر، عناصر بالقوه ای وجود دارد که می توان از آن برداشت های کاملاً توسعه یافته نمود و همچنین می توان عناصر دیگری را برگرفت که مانع پیشرفت باشد؛ همان که امروزه بیشتر عناصر تحرک آفرین و رشدزا از آن استخراج می گردد. همپای این تحول جدید، اگر عناصری که موجد و مانع پیشرفت مسلمانان می شود، به درستی بررسی و کشف گردد، راه آینده توسعه این کشورها هموار می شود؛ ولو اینکه از تجربیات دیگران اخذ شود؛ همچنان که پیامبر (ص) همزمان با کنترل آداب خرافی و تعصبات قومی، رسوم پسندیده دوره جاهلیت مانند پای بندی به تعهدات و قول و قرارها، حمایت از غریبان و میهمان نوازی را نه تنها حفظ نمودند که گسترش دادند.

26- Free Riding

[۲۷]. مانند فرانسیس بیکن که در حین تحقیقات خود در کوه های یخ، از سرما جان باخت. همچنین ماری کوری و کثیری از مخترعان کمتر نام آور.

علم و دانش می‌تواند یک بار دیگر در بین مسلمانان شکوفا شود، در صورتی که جامعه اسلامی واقعاً خواهان پذیرش تغییرات فلسفی و نگرشی اساسی در باورهای خویش باشد (Hoodbhoy, 2007؛ به نقل از: خیرخواهان) که در این میان علوم انسانی غیر دستوری، نقش بنیادی دارد.

۹- نتیجه گیری و پیشنهادات

- در قرون اولیه اسلامی، رقابت بین ادیان و مذاهب در کشورهای اسلامی باعث شد تا فضایی مساعد برای آزاداندیشی و پیشرفت علمی ایجاد شود. مدارا و رقابت دینی، منجر به نوآوری های بسیار، توسعه علوم و پیشرفت مسلمانان و تأسیس تمدن درخشانی در صدر اسلام گردید[۲۸]. اما با کاهش نسبت غیرمسلمانان به مسلمانان- به دلایلی از جمله معافیت از جزیه- در جوامع اسلامی، سیطره تقریباً بلامنازع حاکمان بر سرزمین های اسلامی، اجبار رقابت و آزادی ابراز عقیده را از بین برد که از دلایل رکود این تمدن است.

- علم و دانایی یک نظام فکری است که در چارچوب متناسب با خود، یعنی روش علمی بویژه نقادی و نقدپذیری شکوفا می‌شود که منوط به مشاهده و تجربه که بویژه می باید نه تنها آزمون پذیر که ابطال پذیر باشند و به صورت دستوری و با اقتدار دینی یا غیردینی پیشرفت نمی کنند. اگر سؤال و شک، پر هزینه و پاسخ ها از قبل معلوم باشد، آن جامعه پویایی علمی و نوآوری نخواهد داشت.

یک نظام اقتصادی با الگوی پیشرفت اسلامی، می باید به گونه ای آزادانه، توسط نخبگان، متخصصان و کارشناسان طراحی گردد که قابل نقد از سوی جامعه و بویژه اهل فن باشد. و در آن، فعالیت و انتخاب های بنگاه ها و مصرف کنندگان از طریق شیوه های عادلانه، صادقانه و حق طلبانه، آسانتر باشد و آنان را به خوبی به مقصد برساند و طرق ناعادلانه و دروغ پردازانه و حق شکنانه، می باید راه را برای آنان مسدود نماید، در غیراین صورت، آن نظام- به هر نام و عنوان- به هیچ وجه نمی تواند مورد تأئید باشد.

در توسعه سکولار، جایی برای مبدأ و معاد وجود ندارد، و تنها عقل معاش مبتنی بر نفسانیت بشری حکمرواست، در حالی که از منظر نگاه دینی، مبدأ و معاد در پیشرفت، نقش

۲۸. بر خلاف نظریه ای که وحدت مسلمین را عامل پویایی آنان در قرون اولیه می داند.

اصلی دارند و جامعه را به گذشته و آینده پیوند می زند که بدون توجه به آنها، رویکرد، دینی نخواهد بود.

- ماهیت اندیشی که از یونان به فلسفه اسلامی راه یافت و ماندگار گردید، تا حدودی مانع رشد آزمون های تجربی شد. آزمون نظریه ها در علوم انسانی به طریق تجربی، هنوز جای شایسته خود را لااقل در کشورمان باز نکرده است و تا زمانی که بویژه در علوم انسانی به این روش، بهای کافی داده نشود، نه تنها علوم انسانی[۲۹] و اقتصادی[۳۰] در سرگمی به سر خواهند برد که اقتصاد و الگوهای اسلامی نیز راه به جایی نمی برد. عقلانیت ابزاری نیز در این راستا قابل طرح می باشد که کشور ما هنوز در این زمینه مشکلات فراوانی دارد و نه تنها به اهداف بلند و روشنی که دهه هاست برای خود تعریف کرده، با عدم استفاده از ابزارهای مناسب، نرسیده بلکه بعضاً از آنها دور شده است، که می باید به هردوی این جنبه ها بپردازیم.

- پیشرفت و توسعه از جمله با رویکرد اسلامی، نیاز به نظریه های تجربه شده و حتی آزمون های مجدد دارد، بویژه که به جای تعریف و تمجید از توسعه، عدالت، آزادی و حق از منظر دین، می باید تئوری ها و روش های رسیدن به آنها تبیین گردد.

- با توجه به اینکه تقاضا برای تخصص اقتصاد اسلامی [و توسعه و الگوی اسلامی پیشرفت]، مشتق از تقاضا برای تخصص اقتصاد است (صدر، ۱۳۸۱) و کمبود تقاضا و عرضه نهاده، موجب می شود، هم مقدار و هم، ارزش (قیمت) در حالت تعادل، در

---

[۲۹]- فقط برای نمونه، بنا به اظهار رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و ترتیبی کشور، زندانیان کشور در نیمه دوم سال ۱۳۵۸حدود ۸ هزار نفر بوده اند، در فروردین سال ۱۳۸۸ که جمعیت حدود ۲ برابر شده، تعداد زندانیان به بیش از ۱۸ برابر یعنی حدود ۱۵۰ هزار نفر رسیده است (روزنامه سرمایه، ۸۸/۱/۲۳، شماره ۸۲)؛ در حالی که بسیاری از کشور ها با به کارگیری همین روشها و نتایج علوم انسانی توانسته بر مشکلات بسیاری از این قبیل فائق آیند.

۲- در سی سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، در تمامی سالها به جز یکی- دو سال تورم و بیکاری درکشورمان دو رقمی بوده که در رتبه بندی جهانی بویژه در سالهای اخیر، رتبه های آخر را داشته ایم؛ در حالی که ترکیه با همین روشهای تجربی اقتصادی، تورم حدود ۸۰ درصدی را که پس از کودتا تجربه نمودند، ظرف حدود ۱۰ سال، آن را به یک رقمی رسانده اند.

سطح پائینی قرار گیرد و این دقیقاً همان رخدادی است که در حال حاضر در مورد اقتصاد اسلامی در ایران مشاهده می شود (صدر، ۱۳۸۴).

- هم طرف تقاضا و هم طرف عرضه این نوع محصولات متأثر از سلایق دولت است که اقتصاد اسلامی نیز (بویژه) مستقل و مبرا از چنین فرایندی نمی باشد که اقتصاد اسلامی حتی برای برخی دولتمردان نقش تزیینی (سیاسی و تبلیغاتی) دارد. از سوی دیگر، طبق نتیجه یک مطالعه میدانی (مصطفوی، ۱۳۹۱) به نظر محققان، استادان و دانشجویان اقتصاد اسلامی (به عنوان عاملان و بخشهای اصلی عرضه)، هم در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی از این رشته استقبال نمی شود و هم، مدیران دستگاه ها و بخش خصوصی (به عنوان عاملان و بخشهای اصلی تقاضا)، انگیزه و تمایل چندانی به اقتصاد اسلامی ندارند، یعنی تقریباً تمامی جوانب تولید، عرضه، تقاضا و مصرف آن با مشکل مواجه و اگر رونق مختصری در آن مشاهده می شود، بیشتر از محل حمایت ها و تأمین مالی دولتی است.

- اقتصاد اسلامی و تدوین الگوهای پیشرفته منبعث از آن، محصول پرباری و سرریز علوم محیطی خود یعنی علوم انسانی و اقتصاد متعارف و رقابت بین تفکرات گوناگون است. علوم انسانی تحقیر شده و علوم اقتصادی تضعیف شده و ایجاد محدودیت در این حوزه ها، در هیچیک از شاخه ها از جمله در گرایش اسلامی زایشی نخواهد داشت (مصطفوی، ۱۳۸۸)؛ چرا که رقیبان این گرایش، مجالی نمی یابند و البته این نه تنها خدمتی به اقتصاد اسلامی نیست که چه بسا آن را از پویایی باز دارد. پس، اینکه هر از چندی، موجی علیه این علوم به راه می افتد، ما را از اهداف دور می کند.

موفقیت اقتصاد، پیشرفت و توسعه چه با رویکرد متعارف و چه با رویکرد اسلامی در خلأ و بدون توجه به الزامات جامعه جدید، با تردید مواجه است؛ بویژه که با گرایش به سیاست های توزیعی- قبل از اعمال سیاست های تخصیصی (برای تولید)- نتیجه چندانی عاید نمی شود.

- گرایش صوفیانه، نیازی به تجربه گرایی و همچنین به تئوری پردازی در حقوق و عدالت ندارد[۳۱]، اما توسعه از طریق همین فرایندها می گذرد. این نگاه، مجدداً در برخی

[۳۱]- معروف است که وقتی محمود افغان پایتخت ایران، اصفهان را در زمان شاه سلطان حسین صفوی در محاصره داشت، شاه که مرشد مریدان صفوی نیز بود، دستور برپا کردن روضه خوانی و دادن نذری برای شفاعت ائمه جهت

کشور ها و از جمله درکشور ما، هر از چندی مطرح می گردد.[۳۲] ممکن است در مواردی تجربیات شهودی شخصی در زندگی عارفانه و زاهدانه فردی و طبق تابع هدف خاصی، مفید واقع شود، اما تجربه ها نشان داده که مدیریت کشور و نیل به توسعه ملی از این طرق امکان پذیر نمی باشد و برخی موضع گیری هایی که بعضاً توسط معدودی از مدیران عالی کشور در این جهت اتخاذ می شود، نه تنها کمکی به حل معضلات توسعه کشور نمی کند بلکه باعث تشویش اذهان و بی اعتمادی می شود که مخل فرایند توسعه- با هر رویکردی- می باشد.

- علم می‌تواند یکبار دیگر در بین مسلمانان به اوج برسد که لازمه آن پذیرش آزادی-ها، و بهادادن به علم و مبانی علم است. البته اصول منطقی و استدلال تحلیلی- تجربی، تنها انتخاب معقول برای حکمرانی و پیشرفت هستند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن طاووس (بی تا) کشف المحجه لثمره المهجه.

بهشتی، محمد حسینی؛ جواد باهنر و علی گلزاده غفوری (۱۳۸۶) شناخت اسلام؛ انتشار بقعه.

پایگاه اطلاع رسانی حوزه: http://www.hawzah.net

تودارو، مایکل (۱۳۸۷) توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی؛ انتشارات کوهسار.

چودری، ام. آ (۱۳۷۷) جهان بینی اسلامی و مساله توسعه؛ ترجمه کمیل طیبی و محسن رنانی؛ مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (ویژه نامه اقتصاد اسلامی)، س. ۱۲، ش. ۱.

خلاصی از این بلیه داد و خود نیز در این مراسم شرکت نمود؛ و همگان می دانند که چگونه شهر فتح گردید و درباریان از جمله سلطان صوفی مسلک از دم تیغ گذرانده شدند.

۲- بحثهایی که در باره زلزله قریب الوقوع در ابتدای سال ۱۳۸۹ مطرح گردید که گویا از مسیر رابطه مرید و مرادی گذشته بود، از نمونه های جایگزینی نگاه غیرعلمی و شبه شهودی بر روش ها و نظریه پردازی های تحقیقی و کارشناسانه می باشد.

حسین زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۳) بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علی(ع)؛ در مجموعه مقالات «حکمرانی خوب، بنیان توسعه»؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۹) رابطه نوآوری نهادی با ظهور و افول تمدن اسلامی: یک ارزیابی مقدماتی؛ مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، اردیبهشت.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲) سیره نبوی؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.

دورانت، ویل (۱۳۷۳) تاریخ تمدن: جلد ۴؛ ترجمه ع. پاشایی و همکاران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.

رنان،کالین(۱۳۸۲) تاریخ علم کیمبریج: جلد دوم؛ ترجمه حسن افشار؛ چاپ سوم، نشر مرکز.

رنانی، محسن (۱۳۸۸) پیامدهای اخلاقی تورم؛ فصلنامه پژوهشی آئین، شماره ۲۶ و۲۷.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۰) کارنامه اسلام؛ انتشارات امیرکبیر.

زیباکلام صادق (۱۳۷۴) ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران؛ انتشارات روزنه.

سیسموندی، سیسمون دو (۱۳۸۶) اکونومی پلیتیک، ترجمه رضا (ژول) ریشار؛ به کوشش ناصر پاکدامن؛ نشر نی.

شریعتی، علی (۱۳۵۹) جهت گیری طبقاتی اسلام؛ مجموعه آثار-۱؛ دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی.

صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴) موانع توسعه فرهنگ و تفکر اقتصاد اسلامی؛ مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۹) مبانی اقتصادی در جامعه اسلامی؛ ترجمه هادی انصاری؛ انتشارات روزبه.

--- (۱۳۸۱) عملکرد آموزش اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد در دانشگاه ها؛ مجموعه مقالات تدریس اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۹) قرآن در اسلام؛ نشر هجرت.

------ (بی‌تا) تفسیر المیزان؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج. ۱۲.

عظیمی، حسین (۱۳۷۱) مدار های توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران؛ نشر نی.

------ (۱۳۷۹) ایران امروز در آینه مباحث توسعه؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

------ (۱۳۶۹) ابعاد پرورشی و فرهنگی مورد نیاز در فرآیند توسعه؛ اطلاعات سیاسی – اقتصادی، شماره ۳۸، مهر و آبان .

علمداری، کاظم (۱۳۸۱) چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟ ج. ۱؛ چاپ هفتم، نشر توسعه.

غلامی دهقی، علی (۱۳۸۳) فرهنگ دین و نشر آن در پیشرفت های علمی و فرهنگی سده های نخستین اسلامی؛ فصلنامه معرفت، شماره ۷۷، اردیبهشت ماه.

فلسفی، نصرالله(۱۳۸۱) جنگ میهنی ایرانیان در چالدران.

فیرحی، داوود (۱۳۸۲) نظام سیاسی و دولت در اسلام؛ سازمان سمت.

کوران، تیمور (۱۳۷۵) اسلام و توسعه نیافتگی، بازنگری یک معمای دیرینه؛ ترجمه یدالله دادگر؛ نقد و نظر، شماره ۹، زمستان.

لوئیس، برنارد؛ اروپا و اسلام؛ ترجمه حسن شاه بیگ؛ در: Bashgah.net

لوبون، گوستاو (۱۳۴۴) تمدن اسلام و عرب؛ ترجمه فخرداعی گیلانی؛ انتشارات علمی.

محمدرضا حکیمی و همکاران (۱۳۶۰) الحیات؛ دفتر انتشارات اسلامی.

مجموعه مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، سال ۱۳۵۸.

مصطفوی، سیدمحمدحسن (۱۳۸۸) آسیب شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی؛ ارائه شده در هشتمین نشست تخصصی محققان اقتصاد اسلامی، اردیبهشت ماه، تبریز.

------ (۱۳۹۱) بررسی موانع آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی در کشور: یک مطالعه میدانی؛ ارائه شده در یازدهمین نشست تخصصی محققان اقتصاد اسلامی، مهرماه، ارومیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸) انسان و سرنوشت؛ انتشارات صدرا، چاپ جدید.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مبانی اقتصاد اسلامی؛ انتشارات حکمت.

نصر، سیدحسین (۱۳۵۹) علم و تمدن در اسلام؛ ترجمه احمد آرام؛ انتشارات خوارزمی.

نقش آموزش و پرورش در توسعه (۱۳۸۲) دیدگاه های حسین عظیمی؛ به اهتمام گروه پژوهشی اقتصاد و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۳) تاثیر قرآن در جنبش فکری و نهضت علمی تمدن و تکامل بشر، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

هونکه، زیگرید (۱۳۷۰) فرهنگ اسلام در اروپا (سه جلدی)؛ ترجمه مرتضی زهبانی؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

39. Dasgupta, P. (2007) Economics: A Very Short Introduction; Chapter 6 (Science and Technology as Institutions), Oxford: Oxford University Press.

Kuran, Timur (2006) Interview in sousth California University.

Kuran, T. (1997) Islam and Underdevelopment: An Old Puzzle Revisited; Journal of Institutional and Theoretical Economics, 153.

Grossman, Gene M. and Elhanan Helpman (2001) Innovation and Growth in the Global Economy; Massachusetts Institute of Technology Press, Seventh Edition.

Lewis, Bernard (2002) What Went Wrong? Western Impact and Middle Eastern Response; New York: Oxford University Press.